

# نگاهی تطبیقی به جایگاه علی و هارون علیهما السلام

## با توجه به قرآن و عهدین و حدیث منزلت

سیدرضی زکی مرتضوی\*

### چکیده

حضرت هارون علیه السلام برادر حضرت موسی علیه السلام است و به شهادت قرآن در نبوت، مأموریت، معجزات و مقامات معنوی شریک آن حضرت بود و دوشادوش برادرش هدایت بنی اسرائیل را به عهده داشت و در نبود موسی علیه السلام خلیفه و جانشین او در میان بنی اسرائیل بود.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز در حدیثی گهربار، علی علیه السلام را نسبت به خود به منزله هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام دانسته است، مگر نبوت که این استثناء نشان دهنده ثابت بودن همه منزلت‌ها جز این مورد است. این حدیث، از نظر سند نزد فریقین به حد تواتر می‌رسد و بارها در مقاطع مختلف از آن حضرت شنیده شده است.

منزلت‌های فراوان و شباهت‌های عمیقی در ارتباط هارون علیه السلام و موسی علیه السلام و ارتباط علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد که با توجه به این حدیث و تاریخ و قرآن قابل استخراج است که می‌توان به تعدادی از جمله قرابت و نزدیکی بسیار شدید، برادری و اخوت، وزارت و

\* دانش‌پژوه کارشناسی‌ارشد علوم قرآن و تفسیر / افغانستان.

شراکت در امر و مأموریت، همراهی و پشتیبانی بی‌نظیر، و خلافت  
اشاره کرد.

**کلید واژگان:** قرآن، عهدین، حدیث منزلت، پیامبر گرامی اسلام ﷺ، امام علی علیه السلام،  
موسی علیه السلام، هارون علیه السلام.

## درآمد

حضرت هارون علیه السلام برادر پیامبر بزرگ و اولوالعزم الهی حضرت موسی علیه السلام کلیم‌الله است که در طول عمر مبارکش از حضرت موسی علیه السلام به هیچ وجه جدا نشد و به گواهی قرآن از ابتدای بعثت آن حضرت، ایشان را همراهی کرده و در امر آن حضرت شراکت داشت. در روایتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ که مورد قبول فریقین است آمده است که علی علیه السلام برای ایشان به منزله هارون علیه السلام برای موسی علیه السلام است که به حدیث منزلت معروف شده است.

## حدیث منزلت

این روایت نورانی که بارها از رسول اکرم ﷺ درباره علی علیه السلام شنیده شده است از محبت شدید و دل‌بستگی عمیق و معنوی رسول اکرم ﷺ نسبت به حضرت امیر علیه السلام پرده برمی‌دارد. مشهورترین موردی صدور این حدیث منزلت، غزوه تبوک است. ابن‌هشام در سیره خود نقل می‌کند<sup>۱</sup> در آن غزوه رسول اکرم ﷺ به سمت تبوک حرکت کردند ولی علی علیه السلام را همراه خود نبردند و او را در مدینه به عنوان جانشین خود قرار دادند. منافقین نقشه‌های فراوانی برای این سفر پیامبر ﷺ کشیده بودند و چنان‌که به تفصیل در کتب تاریخی آمده است، برنامه دقیقی برای قتل پیامبر ﷺ و سپس توطئه و کودتا در مدینه داشتند و حتی با سران طوائف یهود نیز هماهنگی‌های لازم انجام شده بود.<sup>۲</sup> آن‌ها قبل از حرکت پیامبر ﷺ به سوی تبوک در همه جای مدینه مشغول توطئه و منصرف کردن مردم از جنگ و دل‌سرد کردن مردم از پیامبر ﷺ بودند.<sup>۳</sup> در همین ایام قبل از جنگ تبوک

۱- النحوی، عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة لابن هشام، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲- رک: مغازی واقدی، سیرة ابن هشام، سیرة ابن اسحق، و کتب تفسیر روایی ذیل آیات سوره توبه.

۳- النحوی، عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة لابن هشام، ج ۲، ص ۵۲۰.

مشغول ساختن مسجد ضرار شدند تا جدای از مردم در آنجا جمع شوند و نقشه‌های خود را طراحی کنند.<sup>۱</sup> ایشان حتی لشکرگاهی جدای از لشکرگاه پیامبر ﷺ تشکیل دادند<sup>۲</sup> و بسیاری از آنان از رفتن به جنگ خودداری کرده و فعالیت‌های زیادی انجام دادند تا بتوانند پیامبر ﷺ را انسانی معمولی یا کمتر از آن جلوه دهند که با جنگ در برابر رومیان قصد به خطر انداختن جان خود و مسلمین را کرده است و جریان گم شدن ناقه پیامبر ﷺ و استهزاء آن‌ها نسبت به عدم علم غیب پیامبر ﷺ در همین گروه اتفاق افتاده است.<sup>۳</sup>

آنان که وجود علی ﷺ را بزرگ‌ترین مانع در راه رسیدن به اهداف خود می‌دانستند شروع به توطئه و نجوهای مخفیانه و آشکار کردند که پیامبر ﷺ نسبت به علی ﷺ کم لطف شده و علی ﷺ از چشم پیامبر ﷺ افتاده و این سخن را به گوش علی ﷺ رساندند تا علاوه بر این که به اهداف خود در مدینه دست پیدا کرده بلکه بتوانند در نقشه قتل پیامبر ﷺ، قتل علی ﷺ را نیز جا داده و یک‌باره خیالشان از بابت هر دو راحت شود.

علی ﷺ همین که این سخن‌ها را شنید به دنبال پیامبر ﷺ حرکت کرد و در پنج کیلومتری مدینه در منطقه‌ای به نام جرف به پیامبر ﷺ رسید و از ایشان درخواست همراهی در این سفر را نمود. این اقدام امیرالمؤمنین ﷺ به هیچ وجه به این معنا نیست که آن حضرت واقعاً تحت تأثیر القایات شیطانی منافقین و تأثیر توطئه‌های آنان در وجود آن حضرت و دال بر عدم رضایت آن حضرت نسبت به وظیفه‌ای که پیامبر ﷺ بر دوش آن حضرت نهاده بود، ندارد.

بنابر آن چه در زندگی معصومین زیاد مشاهده می‌شود که اعمالی را برای متوجه کردن دیگران انجام می‌دهند، هدف از این حرکت امیرالمؤمنین ﷺ نیز جز این نمی‌تواند باشد که دهان یاوه‌گویان بسته شود و مردم با شنیدن کلمات نورانی و تأییدات پرمغز رسول اکرم ﷺ نسبت به امیرالمؤمنین ﷺ قلب‌هایشان نسبت به آن حضرت محکم شود.

۱- مغازی واقدی، ج ۳، ص ۹۹۲.

۲- سیره ابن اسحق، ج ۴، ص ۱۶۴.

۳- مغازی واقدی، ج ۲، ص ۴۲۴.

## متن حدیث منزلت

این حدیث چنانچه اشاره شد در موقعیت‌های مختلف از پیامبر ﷺ صادر شده است و افراد مختلفی با عبارات نزدیک به هم آن را نقل کرده‌اند. روایت در سیره ابن‌هشام چنین نقل شده است:

«پیامبر اکرم ﷺ علی ﷺ را در مدینه خلیفه خود قرار داد، ولی منافقین شایعه کردند که؛ آن حضرت علی ﷺ را از آن جهت در مدینه گذاشته که دوست نداشته همراهش باشد، وقتی این سخن منافقین به گوش علی ﷺ رسید سلاحش را برداشت و خود را به پیامبر ﷺ رسانید در حالی که رسول خدا ﷺ در منطقه جرف نازل شده بودند. علی ﷺ سخن منافقین را به رسول اکرم ﷺ رسانید، آن حضرت فرمودند: دروغ گفته‌اند، من تو را در مدینه به جای خود گذاشتم تا در نبود من به کارهایم رسیدگی کنی، برگرد و جانشین من باش، آیا تو دوست نداری که نسبت به من به منزله هارون برای موسی ﷺ باشی جز پیامبری؟ پس علی ﷺ به مدینه بازگشت و رسول اکرم ﷺ به سفرش ادامه داد.»<sup>۱</sup>

همین مضمون یا قریب به آن از بزرگان محدثین و مورخین فریقین نقل شده است و چنان که گفته شد این تعبیر پیامبر ﷺ از علی ﷺ غیر از مورد جنگ تبوک نیز بارها و بارها از بیان گهربار رسول اکرم ﷺ شنیده شده است.<sup>۲</sup>

در روایتی امام جعفر صادق ﷺ به نقل از پدرانشان ﷺ می‌فرمایند:

«پیامبر ﷺ این جمله را به علی ﷺ در ده موضع فرموده است»<sup>۳</sup>

البته شاید منظور، موارد مشخص باشد والا تکرار جمله بیش‌تر از ده مورد بوده است، از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که هر کدام بارها تکرار شده‌اند:

«در یوم الانذار پیامبر ﷺ خطاب به اقوام خود فرمود: کدام یک از شما مرا یاری می‌کند و با من بیعت می‌نماید در این که برادر و وزیر و وارث من و هم‌چنین برای من به منزله هارون برای موسی ﷺ باشد؟ بعد از این که

۱- النحوی، عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة لابن هشام، ج ۲، ص ۵۲.

۲- رک : بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۵۰ تا ۳۰۵، موسوعة الامام علی بن ابی طالب، ری شهری، ج ۱، ص ۴۱۹.

۳- قدوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، ج ۲، ص ۲۹۴.

پیامبر ﷺ این جملات را سه مرتبه تکرار کرد، تنها علی ﷺ برخواست و با پیامبر ﷺ بیعت کرد.<sup>۱</sup>

در یوم المواخاه پیامبر ﷺ بین هر دو نفر از مسلمین عقد اخوت خواند و سپس به علی ﷺ فرمود: ای علی تو برادر من هستی و تو برای من به منزله هارون ﷺ برای موسی ﷺ هستی مگر نبوت.<sup>۲</sup>

در روز سدالابواب، پیامبر ﷺ فرمود: بعضی ناراحتند از این که من علی را در مسجد ساکن کرده‌ام و دیگران را بیرون رانده‌ام... علی برای من مانند هارون ﷺ برای موسی ﷺ است.<sup>۳</sup> در روز فتح خیبر فرمودند: ای علی اگر بیم این نداشتیم که آن چه نصاری در مورد عیسی گفته‌اند درباره تو نیز گفته شود چیزی می‌گفتم که خاک پای تو را به تبرک بردارند، ولی همین بس که بگویم تو برای من به منزله هارون ﷺ برای موسی ﷺ هستی مگر نبوت.<sup>۴</sup> و در حجه‌الوداع نیز فرمود: علی پیشوای مؤمنین و برادر من و نسبت به من مانند هارون ﷺ نسبت به موسی ﷺ است مگر در نبوت.<sup>۵</sup>

مغاللات

### سند روایت منزلت

چنان که گفته شد این روایت در مواطن کثیره از رسول اکرم ﷺ نقل شده است و دارای اسانید متعددی است و جای هیچ شک و تردیدی در قطع الصدور بودن آن نمی‌ماند تا جایی که بعضی محدثین از جمله ابن‌عبدالبر در الاستیعاب<sup>۶</sup> و المزی در تهذیب الکمال<sup>۷</sup> تصریح کرده‌اند که این روایت از محکم‌ترین روایاتی است که از رسول اکرم ﷺ به جای مانده است.

۱- مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۲۳، تفسیر فرات کوفی، ص ۳۰۳.

۲- مناقب خوارزمی، ص ۳۰؛ مناقب ابن‌شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۳؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۲۲۰.

۳- علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۸۴؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، فصل ۳۸، ص ۱۷.

۴- کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیر المؤمنین ﷺ، ج ۱، ص ۱۸۷؛ طبری، محمد بن جریر، المستدرشد فی امامة علی بن ابی طالب، ج ۱، ص ۱۹۱؛ نیشابوری، محمد بن قتال، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۴۹.

۵- طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ج ۲، ص ۹۷؛ اربلی، ابی الفتح علی بن عیسی، کشف الغمة، ج ۱، ص ۴۱۶.

۶- اندلسی، محمد بن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۱، ص ۳۲۸.

۷- المزی، ابوالحجاج یوسف بن زکی، تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۴۸۳.

ابن حجر عسقلانی در فتح الباری راویان زیادی را ذکر می‌کند که این روایت را نقل کرده‌اند<sup>۱</sup> لذا این روایت چنان‌که در بین شیعه از متواترات محسوب می‌شود و در کتب روایی و تفسیری شیعه مانند تفسیر قمی<sup>۲</sup>، بحارالانوار<sup>۳</sup>، اعلام الوری<sup>۴</sup>، و... آمده است، در بین اهل سنت نیز از احادیث مشهوره بلکه متواتره محسوب می‌گردد که در کتاب‌های فروانی از جمله مصنف ابی شیبیه<sup>۵</sup>، سنن نسائی<sup>۶</sup>، سنن ابن ماجه<sup>۷</sup>، صحیح ابن حبان<sup>۸</sup>، سنن ترمذی<sup>۹</sup>، مسند ابویعلی<sup>۱۰</sup>، الصواعق المحرقة<sup>۱۱</sup>، مسند احمد<sup>۱۲</sup>، طبقات الکبری<sup>۱۳</sup>، تاریخ دمشق<sup>۱۴</sup>، تهذیب التهذیب<sup>۱۵</sup>، کنز العمال<sup>۱۶</sup> نقل شده و این فقط تعدادی از کتب فراوانی است که این روایت را نقل کرده‌اند<sup>۱۷</sup>. حتی این روایت گهربار در صحیح مسلم<sup>۱۸</sup> و صحیح بخاری<sup>۱۹</sup> نیز نقل شده است و می‌دانیم که نظر قاطبه علمای اهل سنت در مورد این دو کتاب این است که آن‌چه در آن‌ها آمده است

۱- عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۷۴.

۲- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۹۲.

۳- بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۵۹.

۴- اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۸۹.

۵- ابی شیبیه کوفی، عبدالله بن محمد، مصنف ابن ابی شیبیه، ج ۶، ص ۳۶۶.

۶- سنن نسائی، ج ۵، ص ۴۴.

۷- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۵.

۸- التیمی الدارمی، محمد بن حبان، ج ۲۷، ص ۳۳۱.

۹- ترمذی، محمد بن عیسی، صحیح ترمذی، ج ۱۳، ص ۳۳۱.

۱۰- ابویعلی التیمی، احمد بن علی بن المثنی، مسند ابی یعلی الموصلی، ج ۱، ص ۳۳۲.

۱۱- ابن حجر الهیتمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة علی اهل الرفض و الضلال و الزندقه، ج ۲، ص ۳۵۲.

۱۲- مسند احمد، ج ۱، ص ۱۷۰.

۱۳- طبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۳.

۱۴- ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۱۶۴.

۱۵- عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۹۶.

۱۶- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۵۹۹.

۱۷- رک: ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، ج ۷، ص ۲۲۵؛ بیهقی، دلائل النبوة، ج ۵، ص ۲۹۴؛ خطیب بغدادی، احمد بن علی ابوبکر،

تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۰۴؛ ابن اثیر، اسد الغایة، ج ۲، ص ۲۹۷؛ ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۳۸ و...

۱۸- صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰.

۱۹- صحیح بخاری، ج ۶، ص ۳.

صحیح است و یکی از اشکالات روایت را در این می‌بینند که در صحیحین نیامده باشد گرچه در کتب دیگر موجود باشد.<sup>۱</sup>

### حدود دلالت حدیث منزلت

این روایت تمامی منزلت‌های هارون علیه السلام را برای علی علیه السلام ثابت می‌کند، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص مورد خاصی علی علیه السلام را تشبیه به هارون علیه السلام نکرده است، مثلاً فرموده یا علی فصاحت تو مانند هارون علیه السلام است یا تو از لحاظ شجاعت مانند هارون علیه السلام هستی، بلکه مطلق فرمود یا علی تو برای من مانند هارون علیه السلام برای موسی، مگر نبوت. این استثناء کردن نبوت، خود دلیل بر این است که جز نبوت تمامی مقامات هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام برای علی علیه السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله ثابت است، و اگر مقامات هارون علیه السلام برای علی علیه السلام ثابت نبود، هیچ دلیلی نداشت که پیامبر صلی الله علیه و آله نبوت هارون علیه السلام را به طور خصوص استثناء کند.

### تطبیق منزلت‌های هارون و علی علیه السلام

#### ۱- خویشاوندی بسیار نزدیک و ارتباط تنگاتنگ

هارون علیه السلام برادر موسی علیه السلام است، چه کسی می‌تواند از برادر به انسان نزدیک‌تر باشد آن هم برادری که همراه و همیار انسان باشد؟ وقتی موسی علیه السلام به پیامبری رسید اولین تقاضایش این بود که برادرش هارون علیه السلام با او همراه شود لذا می‌توان گفت اولین ایمان آورنده به موسی علیه السلام نیز برادرش هارون علیه السلام است؛ در قرآن کریم در بیان این جریان آمده است:

«اجعل لی وزیراً من اهلی \* هارون اخی»<sup>۲</sup>

در تورات نیز در خصوص این برادری و نزدیکی هارون علیه السلام به موسی علیه السلام آمده است:

«خدا گفت (ای موسی) آیا هارون علیه السلام لایق برادر تو نیست؟ من می‌دانم که او سخنور توانایی است، او در خارج (از این مکان وحی) به استقبال تو آمده است و تا تو را ببیند دلش شاد خواهد شد.»<sup>۳</sup>

۱- رک: سیوطی، جلال‌الدین، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی.

۲- طه: ۳۰ و ۳۱.

۳- بروج، ۴ و ۱۴.

علی علیه السلام نیز در بین یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک‌ترین فرد به ایشان بود، او از کودکی در دامان پرمهر رسول خدا صلی الله علیه و آله بزرگ شد و مورد توجه ویژه او قرار داشت، می‌توان گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله برای علی علیه السلام پدری دل‌سوز بود، بهتر است در این زمینه به کلام خود علی علیه السلام رجوع کنیم که در خصوص نزدیکی خود به رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«شما خود جایگاه من در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌دانید که چقدر به آن حضرت نزدیک بودم و چه منزلت خاصی داشتم، در حالی که من کودک بودم مرا در آغوش می‌گرفت و سخت به سینه‌اش می‌فشرده و در رختخواب خود می‌خواباند، بدن من بدنش را حس می‌کرد و بوی آن حضرت را استشمام می‌کردم، غذا را می‌جوید و لقمه کرده در دهانم می‌گذاشت... من شب و روز با او بودم و از اخلاق او هر لحظه استفاده می‌بردم و دائماً از او تبعیت داشتم او نیز مرا به اقتدای خود فرمان می‌داد، او هر سال به غار حرا می‌رفت و جز من کسی او را در آن ایام که در غار بود جز من کسی او را نمی‌دید، تنها خانه در اسلام، خانه او و خدیجه بود و من سومین نفر آن‌ها بودم.»<sup>۱</sup>

## ۲- اخوت

هارون علیه السلام برادر موسی علیه السلام است؛ اما علی علیه السلام برادر پیامبر صلی الله علیه و آله نبود ولی پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی بین مسلمین عقد اخوت بست، علی علیه السلام را برادر خود قرار داد. احمد بن حنبل در فضائل الصحابه می‌نویسد:

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بین مسلمین برادری ایجاد کرد سپس فرمود: ای علی تو برادر منی و تو برای من به منزله هارون علیه السلام برای موسی هستی مگر این که بعد از من پیامبری نخواهد بود، ای علی آیا تو نمی‌دانی که در روز قیامت اولین کسی که خوانده می‌شود من هستم و در زیر سایه قدرت خداوند حله‌ای خضراء به من پوشانده می‌شود، سپس پیامبران پشت سر هم خوانده می‌شوند و سپس منادی ندا می‌دهد بهترین پدر، پدر تو ابراهیم علیه السلام است و بهترین برادر، برادر تو علی علیه السلام است، بشارت باد بر

۱- نهج البلاغه، خطبة القاصعة.



تو یا علی که در آن روز با من خوانده می شوی و حله می پوشی و با من زنده می شوی.»<sup>۱</sup>

طبرانی نیز در المعجم الکبیر قریب به همین مضامین روایتی نقل می کند،<sup>۲</sup> و از این روایات بر می آید پیامبر ﷺ شأن اخوتی را که هارون ﷺ نسبت به موسی ﷺ داشت، برای علی ﷺ نسبت به خود تثبیت فرموده اند و علی رغم این که علی ﷺ برادر نسبی رسول خدا ﷺ نیست ولی این ارتباط را بین خود و علی ﷺ در دنیا و آخرت ثابت دانسته و فرموده اند این منزلت برای علی ﷺ نسبت به من هست چنان که برای هارون ﷺ نسبت به موسی ﷺ بوده است. پیامبر اکرم ﷺ برادری خود با علی ﷺ را بارها و بارها و با تعبیر مختلف اعلام کردند که به عنوان نمونه چند مورد را ذکر می کنیم:

- «ای علی، خدا به من دستور داد که با تو برادری کنم<sup>۳</sup> پس تو برادر من در دنیا و آخرت هستی»؛<sup>۴</sup>
- «ای علی، تو برادر و هم نشین من هستی»؛<sup>۵</sup>
- «بر روی در بهشت دیدم که نوشته بود: خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد ﷺ پیامبر اوست و علی ﷺ برادر پیامبر خداست»؛<sup>۶</sup>
- «هزار سال قبل از خلقت آسمان ها روی در بهشت نوشته شده بود: ...علی برادر رسول خداست»؛<sup>۷</sup>
- «ای علی، تو برادر من هستی و من برادر توام<sup>۸</sup>، دست تو در دست من است تا به بهشت وارد شویم»؛<sup>۹</sup>

۱- الشیبانی، احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ج ۳، ص ۱۱۰؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۳؛ خوارزمی، مناقب خوارزمی، ج ۱، ص ۱۲۸.

۲- الطبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۲۲۰.

۳- الکوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیر المؤمنین ﷺ، ج ۱، ص ۱۶۳.

۴- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۸۸۶.

۵- اندلسی، محمد بن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۳۸.

۶- ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۶۲.

۷- طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۳۴۳.

۸- احسانی، ابن ابی جمهور، عوالی اللالی، ج ۴، ص ۳۳.

۹- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، الخصال، ج ۲، ص ۹۹.

نکته‌ای که قابل توجه است این است که پیامبر ﷺ در روز مؤاخات بین هر دو نفری که در شأن هم بودند برادری ایجاد کردند و هر فردی را با شخص نظیر و مانند خودش برادر ساخت، مثلاً ابوبکر را با عمر و حمزه را با زید بن حارثه، عثمان را با عبدالرحمن بن عوف و زبیر را با عبدالله بن مسعود، عباد بن حارث را با بلال، و مصعب بن عمیر را با سعد بن ابی وقاص و سعید بن زید را با طلحه بن عبدالله برادر ساخت<sup>۱</sup> و به گفته ابن هشام:

«رسول خدا که سید المرسلین و امام المتقین و رسول رب العالمین بود و از بندگان خدا برای او هیچ نظیر و مانندی وجود ندارد خود را برادر علی ﷺ خواند.»<sup>۲</sup>

### ۳- وزارت و شراکت در امر

هارون ﷺ از همان ابتدای نبوت موسی ﷺ یار و همراه موسی ﷺ بود و موسی ﷺ در اولین دعای خود بعد از بعثت یآوری هارون ﷺ را از خداوند می‌طلبد<sup>۳</sup> که قرآن نیز به آن تصریح دارد، و در هر جایی که از داستان موسی ﷺ و مأموریت او سخن می‌گوید نام هارون ﷺ را نیز در کنار نام موسی ﷺ ذکر می‌کند، و از ارسال موسی ﷺ و هارون ﷺ با هم<sup>۴</sup> به سوی فرعون یاد کرده است<sup>۵</sup>، و هارون ﷺ را در معجزات شریک موسی ﷺ معرفی می‌کند و می‌گوید به هر دو فرقان عطا کردیم<sup>۶</sup> و حتی دشمنان‌شان (فرعون و ساحران)<sup>۷</sup> هم این شراکت موسی ﷺ و هارون ﷺ را درک کرده بودند و از آن‌ها با هم یاد می‌کردند<sup>۸</sup>. خداوند نام هارون ﷺ را در صف انبیاء، کنار نام موسی ﷺ ذکر می‌کند<sup>۹</sup>، و منت خاص خویش را شامل

۱- ری شهری، موسوعة الامام علی بن ابی طالب، ج ۱۰، ص ۲۴۶، به نقل از السیرة الحلبیه و عیون الاثر.

۲- ابن هشام نحوی، محمد عبدالملک، سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۳۶.

۳- «واجعل لی وزیراً من اهلی \* هارون اخی \* اشدد به ازری \* و اشركه فی امری». مبارکه طه، آیه ۳۰ تا ۳۲.

۴- «ثم أرسلنا موسى و أخاه هارون بآياتنا و سلطان مبين». مؤمنون: ۴۵.

۵- «ثم بعثنا من بعدهم موسى و هارون إلى فرعون و ملائجه بآياتنا فاستكبروا و كانوا قوماً مجرمين». یونس: ۷۵.

۶- «و لقد آتینا موسی و هارون الفرقان و ضیاء و ذکرنا للمتقين». انبیاء: ۴۸.

۷- «فالتقی السحرة سجداً قالوا آمناً ربّ هارون و موسی». طه: ۷۰.

۸- «قالوا إن هذان لساحران یريدان أن یخرجاكم من أرضکم بسحرهما و ینهبنا بطریقکم المثلی». طه: ۶۳.

۹- «و من ذرّیه داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون و كذلك نجزی المحسنین». انعام: ۸۴.

هر دو می‌دانند،<sup>۱</sup> کتاب را به هر دو داده است و هر دو را مورد هدایت خاص خود به سوی راه راست قرار داده است و نام هر دو را بلند داشته است<sup>۲</sup> و سلام خاص خویش را به هر دو می‌فرستد.<sup>۳</sup>

تمام این نکات، از شراکتی عمیق برای هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام خبر می‌دهد که از حد یک یار و یاور معمولی بسیار بالاتر است. ایشان هر دو با مأموریت مشترک و کتاب مشترک و معجزات مشترک به سوی هدفی مشترک که آن هم از جانب خداوند برای هر دو معین شده است حرکت کرده‌اند.

از این شراکت در کتاب مقدس چنین یاد شده است:

«خدا به هارون امر کرد به استقبال موسی برو و او را در کوه خدا ملاقات کن \* موسی تمام آن چه خدا به او گفته بود به هارون خبر داد و تمام معجزاتی که خدا به او داده بود را با او در میان گذاشت \* سپس با یکدیگر رفتند و تمام شیوخ بنی اسرائیل را جمع کردند \* هارون در بین آنان سخن گفت و معجزات را برای آنان نشان داد \* آن‌ها ایمان آوردند و... سجده کردند \* بعد موسی و هارون با یکدیگر نزد فرعون رفتند و به او گفتند که قوم ما را آزاد کن.<sup>۴</sup> خدا با موسی و هارون سخن گفت و آن‌ها را به سوی فرعون فرستاد تا بنی اسرائیل را از مصر بیرون ببرند.»<sup>۵</sup>

در کتاب مقدس بیش‌تر معجزات موسی علیه السلام به دستور خداوند توسط هارون علیه السلام انجام می‌شود، گرچه در قرآن معجزات به دست خود موسی علیه السلام انجام شده است ولی در کتاب مقدس، هارون علیه السلام عصای موسی علیه السلام را اژدها می‌کند و هارون علیه السلام عصا را به رود می‌زند و آب‌ها خون می‌شوند و هارون علیه السلام با عصا اشاره می‌کند و ملخ‌ها و سایر بلاها بر فرعونیان فرود می‌آیند. متن کتاب مقدس چنین آمده است:

«و خداوند به موسی و هارون علیه السلام گفت \* وقتی فرعون از شما معجزه خواست به هارون علیه السلام بگو عصایت را بگیر و آن را نزد فرعون بیاورد تا به مار بزرگی تبدیل

۱- «وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ». صافات: ۱۱۴.

۲- «وَ آتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ \* وَ هَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ \* وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ». صافات: ۱۱۵ تا ۱۱۹.

۳- «سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ». صافات: ۱۲۰.

۴- خروج: ۴، ۲۷ تا ۳۱.

۵- خروج: ۶، ۱۳.

شود \* آن‌ها نزد فرعون رفتند و آن‌چه خدا دستور داده بود انجام دادند و هارون علیه السلام عصا را انداخت و عصا مار شد»<sup>۱</sup>

و در جای دیگر آمده است:

«خداوند به موسی گفت که به هارون علیه السلام بگو با عصایت به رودهای اهل مصر اشاره کن تا آب‌های آن‌ها تبدیل به خون شود... \* هارون علیه السلام آن‌چه خدا امر کرده بود انجام داد و با عصایش در مقابل چشمان فرعون و بندگانش بر آب زد و آب تبدیل به خون شد»<sup>۲</sup>

هارون علیه السلام با دست اشاره کرد و تمام نهرها و آب‌ها پر از قورباغه‌هایی شد که به زمین مصر داخل می‌شدند.»<sup>۳</sup>

هارون علیه السلام با عصایش به خاک زد و تبدیل به پشه‌هایی شد که تمام زمین مصر را فراگرفت.»<sup>۴</sup>

همان گونه که هارون علیه السلام در امر موسی علیه السلام با او شراکت داشت، علی علیه السلام نیز با پیامبر صلی الله علیه و آله در امر او شراکت داشت، چنان که حدیث گران قدر رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فریقین آن را نقل کرده‌اند شاهد بر این سخن است که فرموده‌اند:

«خدایا من آن‌چه موسی از تو خواست از تو می‌خواهم: خداوندا برای من از اهلیم و زبیری قرار ده، علی برادرم را وزیرم قرار ده، و پشتیم را با او محکم کن، و او را در امر من شریک گردان.»

«اللهم أقول كما قال أخی موسى: اللهم اجعل لی وزیراً من أهلی، علیاً أخی، اشد به أزی، وأشركه فی أمری»<sup>۵</sup>

این که امیرالمؤمنین در چه اموری بر اساس این دعای پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان شراکت دارد، مطلبی است که باید جداگانه مورد بحث قرار گیرد که شاید در این مجال به نحو مجمل بتوان به ولایت،<sup>۶</sup> اطاعت<sup>۷</sup> یا هدایت امت و یا ... اشاره کرد.

۱- خروج، ۷: ۸ تا ۱۰.

۲- خروج، ۷: ۲۰.

۳- خروج، ۸: ۶.

۴- خروج، ۸: ۱۷.

۵- ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۲؛ الشیبانی، احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ج ۳، ص ۱۳۶؛

۶- إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ مانده: ۵۵.

۷- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ آل عمران: ۱۳۲.

علی علیه السلام از ابتدای بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن حضرت در تمام عرصه‌ها حضور داشت و در تمام برنامه‌های حضرت شرکت داشت و هیچ برنامه، جنگ، دعوت و یا کاری نبود مگر این که علی علیه السلام در آن حضور فعال داشت و قبل از بعثت نیز در دامن رسول خدا صلی الله علیه و آله پرورش یافت<sup>۱</sup> و حتی براساس روایتی، علی علیه السلام در قنذاقه بود که با پیامبر صلی الله علیه و آله که هنوز به رسالت مبعوث نشده بود، سخن گفت و ایشان را «رسول الله» خطاب کرد، و آیاتی از سوره مؤمنون را قرائت نمود.<sup>۲</sup>

علی علیه السلام تنها محرم خلوت‌های قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله در حراء بود<sup>۳</sup> و به گفته احمد بن حنبل، طبری،<sup>۴</sup> ترمذی،<sup>۵</sup> ابن ماجه<sup>۶</sup> و دیگران، هفت سال قبل از بقیه مسلمین، بعد از خدیجه تنها کسی بود که همراه پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می‌خواند.<sup>۷</sup>

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به دعوت خویشاوندان خویش به اسلام شد، مانند موسی علیه السلام که به هارون علیه السلام دستور داد که مشایخ قوم را جمع کند، چنانچه در تاریخ طبری،<sup>۸</sup> تاریخ الرسل و الملوك،<sup>۹</sup> المختصر فی تاریخ البشر،<sup>۱۰</sup> سیره ابن کثیر<sup>۱۱</sup> و الکامل فی التاریخ،<sup>۱۲</sup> السیره النبویه ابن اسحق<sup>۱۳</sup> و بسیاری از کتب سیره و تاریخ آمده است پیامبر صلی الله علیه و آله هم به علی علیه السلام دستور داد تا بزرگان اقوام را برای صرف غذا دعوت کند و در آن جلسه که پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام مشترکاً آن

- ۱- نهج البلاغة، الخطبة القاصعة.
- ۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار فی درر احادیث ائمه الاطهار، ج ۳۵، ص ۳۶.
- ۳- نهج البلاغة، الخطبة القاصعة.
- ۴- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۵۵.
- ۵- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۴۲.
- ۶- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۴۱.
- ۷- الشیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۰۹.
- ۸- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۶۳.
- ۹- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوك، ج ۱، ص ۳۹۹.
- ۱۰- ابوالفداء، اسماعیل بن علی بن محمود، المختصر فی تاریخ البشر، ج ۱، ص ۷۶.
- ۱۱- ابن کثیر دمشقی، سیره ابن کثیر، ج ۱، ص ۴۵۷.
- ۱۲- ابن الاثیر الشیبانی، علی بن محمد بن عبدالکریم، الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۲۵۹.
- ۱۳- المطبلی، محمد بن اسحق، السیره النبویه لابن اسحق، ج ۱، ص ۴۷.

را برگزار کرده بودند، پیامبر ﷺ، علی علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین و خلیفه بعد از خود معرفی نمود.<sup>۱</sup>

در مواقع حساس که اموری پیش می‌آمد که کسی جز رسول خدا ﷺ نمی‌توانست عهده‌دار آن شود، پیامبر ﷺ آن کار را به دستور خدا به علی علیه السلام واگذار می‌کرد و به فرموده امام سجاد علیه السلام پیامبر، علی علیه السلام را به کارهایی گمارد که هیچ کس جز خودش نمی‌توانست آن‌ها را انجام دهد.<sup>۲</sup> به طور مثال در غزوه تبوک که ذکر آن گذشت، پیامبر ﷺ به علی علیه السلام فرمود یا من باید در شهر بمانم یا تو و کس دیگری نمی‌تواند عهده‌دار این کار شود؛<sup>۳</sup> و یا در جریان نزول آیات برائت، چنان که در مسند احمد<sup>۴</sup> و سیره ابن هشام<sup>۵</sup> و بسیاری از کتب تاریخ و سیر آمده است: وقتی ابوبکر نسبت به اعزام علی علیه السلام اعتراض کرد، پیامبر ﷺ فرمود دستور خدا بود که یا من باشم یا کسی از من، علی از من است و هیچ کسی جز علی نمی‌تواند جای من باشد.<sup>۶</sup> فداکاری‌ها و از جان گذشتگی‌های علی علیه السلام و ذوب شدن در هدف مشترک خود با پیامبر ﷺ چنان شگفت‌آور است که زبان از بیان آن قاصر است.

#### ۴- همراهی و پشتیبانی

هارون علیه السلام بزرگ‌ترین پشتیبان موسی علیه السلام در تمام مراحل نبوتش بود، موسی علیه السلام خود در اولین تقاضایش بعد از بعثت از خداوند خواست که هارون علیه السلام را پشتیبان او قرار دهد، و چنین دعا می‌کند:

«خدایا پشتم را با برادرم هارون علیه السلام محکم کن و او را پشتیبان من قرار بده.<sup>۷</sup> خدایا برادرم هارون علیه السلام را... همراه من بفرست تا یاور من باشد و مرا تصدیق نماید.»<sup>۱</sup>

۱- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، البداية و النهاية، ج ۳، ص ۴۰، مکتبه المعارف بیروت؛ و همان در سیره ابن کثیر، ج ۱، ص ۴۵۹.

۲- کلینی، الروضة من الکافی، ج ۸، ص ۲۶۲.

۳- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۲۰۳.

۴- الشیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۲۳۶.

۵- ابن هشام، عبدالملک، سیره ابن هشام، ج ۵، ص ۲۲۲.

۶- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۵، ص ۲۵.

۷- «هارون اخی \* اشدُّ به اُزری». طه: ۳۱.

خدا نیز با خواسته موسی علیه السلام موافقت کرد:

«ای موسی در خواست تو اجابت خواهد شد،<sup>۲</sup> ما بازوی تو را با برادرت  
نیرومند خواهیم کرد،<sup>۳</sup> ما از روی رحمت برادرش هارون را که نبی بود به او  
عطا کردیم.»<sup>۴</sup>

در کتاب مقدس نیز بارها به پشتیبانی هارون از موسی علیه السلام اشاره شده است، مثلاً در  
خصوص همراهی هارون با موسی علیه السلام از ابتدای بعثت آمده است:

«هارون لای بیرون از این جا منتظر توست و برای استقبال تو می آید و  
وقتی تو را ببیند خوشحال خواهد شد.»<sup>۵</sup>  
و در جای دیگر آمده است:

«خداوند به هارون علیه السلام وحی کرد که به استقبال موسی برود و او رفت  
و موسی را در کوه خدا ملاقات کرد.»<sup>۶</sup>

و نیز آمده است:

«خدا به موسی گفت بنگر که من تو را برای فرعون خدا قرار داده‌ام و  
هارون پیامبر توست.»<sup>۷</sup>

که شاید منظور از خدا بودن موسی و پیامبر بودن هارون علیه السلام این است که پیام‌ها را خدا به  
موسی و ایشان به هارون و ایشان به فرعون انتقال دهد.

بعد از شروع مأموریت نیز، موسی و هارون علیه السلام همیشه در کنار یکدیگرند و به هیچ وجه از  
هم جدایی ندارند، در تمام ماجراها، بلاها، اتفاقات، دعوت فرعون، معجزه نشان دادن به فرعون،  
تقاضای رهایی بنی اسرائیل، سفر پرماجرا و... در همه و همه این جریان‌ها هارون در کنار  
موسی علیه السلام است:

۱- «و آخی هارون هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَاناً فَأَرْسَلَهُ مَعِيَ رِدْءاً يُصَدِّقُنِي». قصص: ۳۴.

۲- «قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى». طه: ۳۶.

۳- «سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ». قصص: ۳۵.

۴- «و وَهَبْنَا لَهُ مِن رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا». مریم: ۵۳.

۵- خروج، ۴: ۱۴.

۶- خروج، ۴: ۲۷.

۷- خروج، ۷: ۱.



«موسی و هارون علیهم السلام به سراغ فرعون رفتند و گفتند خدا می‌فرماید تا کی می‌خواهی به لجاجت ادامه بدهی و در مقابل خدا سر تسلیم فرود نیاوری بگذار تا قوم من بروند.»

خدا به موسی گفت فقط تو و هارون علیهم السلام از کوه برای ملاقات من بالا بیایید و دیگر کاهنان حق ندارند بیایند.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مانند موسی علیهم السلام از خداوند خواست تا برادرش را برای او مؤید و مصدق و یاور و ناصر و همراه قرار دهد و در دعای معروف خود گفت خدایا مانند موسی علیهم السلام دعا می‌کنم که علی علیهم السلام را که از اهل من است وزیر من قرار داده و پشتم را به او محکم کنی و او را در امر من شریک من گردانی.<sup>۲</sup>

علی علیهم السلام پشتیبانی قوی برای پیامبر صلی الله علیه و آله بود، و حتی لحظه‌ای پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها نگذاشت و تا لحظات آخر زندگی پیامبر در جوار آن حضرت در خدمتش بود و گوش به فرمان‌هایش داشت؛ و چنان‌که هارون علیهم السلام اولین تصدیق‌کننده موسی علیهم السلام است، علی علیهم السلام نیز اولین تصدیق‌کننده پیامبر صلی الله علیه و آله است و خود در این‌باره می‌گویند:

«من عبدالله و برادر رسول خدا و صدیق اکبر هستم کسی این‌ها را ادعا نمی‌کند مگر این‌که کذاب است، من هفت سال قبل از دیگران با رسول خدا نماز خوانده‌ام.»<sup>۳</sup>

چنان‌که گفته شد در انذار عشیره اقرین، علاوه بر یاری پیامبر صلی الله علیه و آله برای برپایی این جلسه، تنها علی علیهم السلام بود که به ندای دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ مثبت داد.<sup>۴</sup> اگر علی علیهم السلام در لیلۃ‌المبیت در جای پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌خوابید، هرگز هجرت تاریخی پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه اتفاق نمی‌افتاد. یعقوبی در تاریخ خود می‌نویسد:

«خدا در شب هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه به میکائیل و جبرائیل وحی کرد من عمر یکی از شما را بلندتر از دیگری قرار دادم کدامیک از شما مرگ را اختیار می‌کنید و به خاطر دیگری از زندگی دست

۱- خروج، ۱۰: ۳.

۲- ابن‌عساکر، علی بن الحسن، تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۲؛ الشیبانی، احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ج ۳، ص ۱۳۶.

۳- ابن‌ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۱۴۱.

۴- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۶۳.



می‌کشید؟ آن‌ها هر دو زندگی را انتخاب کردند و حاضر نشدند برای دیگری از زندگی خود دست بکشند، خداوند به آن‌ها فرمود: شما باید رسم برادری را از علی بن ابی طالب یاد بگیرید، من بین او و محمد برادری برقرار کرده‌ام و عمر یکی از آن دو را بلندتر قرار دادم، علی مرگ را به خاطر سلامتی محمد انتخاب کرده، و در جای او خوابیده است، الان به زمین هبوط کنید و از او در مقابل دشمنانش محافظت کنید، پس آن دو به زمین آمدند و بالای سر و پایین پای علی نشستند و جبرئیل به علی می‌گفت: مبارک باد بر تو ای پسر ابی طالب چه کسی مانند توست که خداوند به تو بر ملائکه هفت آسمان فخر می‌کند.»<sup>۱</sup>

خوابیدن علی علیه السلام در جای پیامبر صلی الله علیه و آله را مورخین و محدثین زیادی از جمله ابن‌اثیر<sup>۲</sup> و ابن‌سعد<sup>۳</sup> نقل کرده‌اند و حاکم در مستدرک علی الصحیحین می‌نویسد:

«اولین کسی که جان خود را فدای رضای خداوند کرد علی بن ابی طالب بود.»<sup>۴</sup>

در مدت سه روز که پیامبر صلی الله علیه و آله در غار ثور پنهان شده بود، علی علیه السلام به او سر می‌زد و احتیاجاتش را فراهم می‌نمود، و هنگام حرکت به سوی مدینه پیامبر صلی الله علیه و آله سفارشات خود را به علی علیه السلام نمود تا دیون آن حضرت را بپردازد<sup>۵</sup> و همراه فواطم ثلاث یعنی فاطمه بنت اسد و فاطمه زهرا علیهما السلام و فاطمه بنت زبیر بن عبدالمطلب به مدینه هجرت کند.<sup>۶</sup> و زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله به ورودی مدینه به منطقه قبا رسید قدم از قدم برداشت و فرمود من همین جا می‌مانم تا برادر و محبوب‌ترین شخص برای من یعنی علی به من برسد.<sup>۷</sup>

۱- یعقوبی، احمد بن اسحق، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۱۹؛ هم‌چنین مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۶۵؛ اسدالغابه، ج ۴، ص ۹۸، ج ۳۷۸۹.

۲- ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۲۷۶.

۳- البصری، محمد بن سعد، الطبقات الکبری لاین سعد، ج ۱، ص ۲۲۸.

۴- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۱۰، ص ۴۸.

۵- طوسی، محمد بن الحسن، الامالی للطوسی، ج ۲، ص ۱۰.

۶- ری شهری، موسوعه الامام علی بن ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷.

۷- کلینی، الروضة من الکافی، ج ۸، ص ۲۶۸.

درخشش علی علیه السلام در صحنه‌های دهشت‌ناک نبرد و جبهه‌های رویارویی اسلام و کفر در جنگ‌های بدر، احد، خیبر، خندق، حنین و... و دفاع بی‌بدیل آن حضرت از پیامبر صلی الله علیه و آله، یکی از شواهدی است که نشان می‌دهد که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز بدون یاری علی علیه السلام موفق به انجام مأموریت خود نمی‌شد.

علی علیه السلام در تمامی جنگ‌ها پرچم‌دار لشکر اسلام بود و همیشه پیامبر صلی الله علیه و آله پرچم را به دست او می‌داد، در جنگ بدر علی علیه السلام فقط بیست سال داشت ولی پیامبر صلی الله علیه و آله پرچم اسلام را به او واگذار کرد.<sup>۱</sup> و زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از مسلمین تقاضای آب کرد ولی همه به جهت خطرناک بودن موقف، سر به پایین انداختند، این علی علیه السلام بود که از آن چاه عمیق برای پیامبر صلی الله علیه و آله آب آورد و بنا به فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله مورد سلام جبرائیل با هزار ملک و میکائیل با هزار ملک و اسرافیل با هزار ملک قرار گرفت.<sup>۲</sup>

در جنگ احد زمانی که تمامی مسلمین فرار کرده بودند و گمان می‌بردند پیامبر صلی الله علیه و آله کشته شده است، علی علیه السلام در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله باقی ماند و از آن حضرت دفاع نمود، و آن قدر استقامت کرد که شمشیرش شکست و پیامبر صلی الله علیه و آله ذوالفقار را به آن حضرت عطا کرد و فریاد جبرئیل به شادی و بشارت بلند شد که: «لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی»<sup>۳</sup>

در جنگ خندق کسی جز علی علیه السلام جرأت رویارویی با عمرو بن عبدود را نداشت پیامبر صلی الله علیه و آله عمامه و شمشیر خود را به علی علیه السلام داد<sup>۴</sup> و جمله معروف پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود «برز الاسلام کله علی الشکر کله»<sup>۵</sup> گواه بر اهمیت این دفاع عاشقانه است.

در غزوه بنی‌نظیر زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله توسط تعدادی از یهودیان، مورد سوء قصد قرار گرفت، شب هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام ناپدید شد و وقتی برگشت، سر یهودی را با خود آورده بود و تقدیم رسول الله صلی الله علیه و آله کرد.<sup>۶</sup>

۱- اندلسی، محمدبن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۱، ص ۳۳۸.

۲- الشیبانی، احمدبن حنبل، فضائل الصحابة، ج ۳، ص ۲۷.

۳- ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۷۱، ابن ابی الحدید المعتزلی، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن

الحدید، ج ۱۹، باب ۲۳۸، فصل اسلام علی و ابوبکر و خصائص کل منهما.

۴- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۶۸.

۵- ابن ابی الحدید المعتزلی، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، ج ۱۹، باب ۲۳۰، فصل شجاعة علی.

۶- الواقدی، محمدبن عمر، المغازی، ج ۱، ص ۱۴۵.

علی علیه السلام در جنگ خیبر نیز نقش اساسی در پیروزی مسلمین داشت، وقتی ابوبکر و عمر در دو نوبت نتوانستند قلعه‌های وطیح و سلالم و قموص را فتح کنند،<sup>۱</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را که چشم درد داشت شفا داده و پرچم را به او سپرد،<sup>۲</sup> و آن حضرت مرحب را که شجاع‌ترین فرد دشمن بود به درک واصل کرده، در قلعه قموص را به تنهایی از جا کند، آن در به قدری بزرگ بود که چهل نفر آن را حمل می‌کردند و بیست نفر آن را می‌بستند،<sup>۳</sup> و بعد از اتمام جنگ هفتاد نفر آن را سرچایش نشانندند.<sup>۴</sup>

در غزوه حنین زمانی که مسلمین با شیخون قبائل هوازن و متحدینش روبرو شدند، اکثر مسلمین فرار کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها گذاشتند،<sup>۵</sup> علی علیه السلام به تنهایی چهل نفر از سربازان هوازن را به درک واصل کرد<sup>۶</sup> و اباجرول و شهاب که از فرماندهان بزرگ بودند را به درک واصل کرد.<sup>۷</sup>

علی علیه السلام در هیچ صحنه‌ای پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها نگذاشت و بهترین یاری را به آن حضرت رسانید، و مطابق دعای آن حضرت بود که فرمود «خدایا به وسیله علی پشت مرا محکم کن»،<sup>۸</sup> لذا هر زمان کار مهمی پیش می‌آمد علی را می‌فرستاد این چنین دعا می‌کرد:<sup>۹</sup>

«رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ»<sup>۱۰</sup>

- ۱- قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۳۳؛ النحوی، عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة لابن هشام، ج ۴، ص ۳۰۵؛ نسائی، احمد بن شعیب، خصائص امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۱، ص ۵۲.
- ۲- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۱۰، ص ۴۳۶؛ قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۳۳.
- ۳- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، جزء ۷، ص ۴؛ حلی، کشف الیقین، جزء ۹، ص ۶؛ الاربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ج ۱، ص ۲۱۰.
- ۴- بیهقی، احمد بن الحسین، دلائل النبوة للبيهقي، ج ۴، ص ۲۹۱.
- ۵- ابن هشام نحوی، محمد بن عبدالملک، سیرة ابن هشام، ج ۵، ص ۱۱۰؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۳۴۷.
- ۶- ابویعلی التمیمی، احمد بن علی بن المثنی، مستند ابی یعلی الموصلی، ج ۸، ص ۱۲۴.
- ۷- ری شهری، محمد، موسوعة الامام علی بن ابی طالب، ج ۲، ص ۱۰۸.
- ۸- «اللهم اشدد به ازری» که مدارک آن گذشت.
- ۹- المسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ص ۳۴۴.
- ۱۰- انبیا: ۸۹.

## ۵- خلافت

زمانی که موسی علیه السلام برای دریافت وحی به کوه طور رفت، حضرت هارون علیه السلام را در قوم خود به عنوان خلیفه و جانشین خود قرار داد چنان که قرآن می فرماید:

«وَإِعْدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ قَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»<sup>۱</sup>  
موسی به هارون علیه السلام برادرش گفت که خلیفه من در میان قوم من باش و اصلاح کن و تسلیم فسادگران مشو.

موسی به کوه طور رفت و چهل روز آن جا بود و برادرش هارون علیه السلام را به جای خود در بنی اسرائیل قرار داده بود.

این جریان در کتاب مقدس نیز آمده است:

«خدا به موسی گفت از کوه بالا برو و همان جا بمان تا من به تو وحی و شریعت را بدهم \* موسی و یوشع که به او خدمت می کرد از کوه بالا رفتند \* موسی به شیوخ بنی اسرائیل گفت همین جا منتظر من بمانید و این هارون علیه السلام است که همراه شماست.»<sup>۲</sup>

خلافت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از منزلت هایی است که از حدیث منزلت فهمیده می شود، و علاوه بر آن نصوص فراوانی هم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است که به صراحت خلافت علی علیه السلام را بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و نه به مدت کوتاه و موقت بلکه به صورت جانشین به حق و بلافصل ایشان اثبات می کند، که خود بحثی مستقل می طلبد و در این جا مجال آن نیست ولی اجمالاً می توان به یوم الانذار، غزوه تبوک، و حدیث شریف غدیر اشاره کرد که قبلاً به بعضی نیز اشارت رفت.



۱- اعراف: ۱۴۲.

۲- خروج، ۲۴: ۱۲ تا ۱۴.